

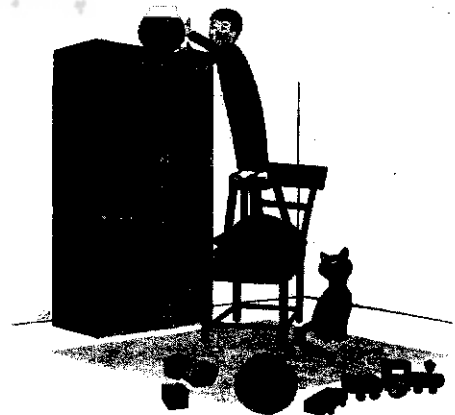
# تصویرگر از چشم تصویرگر

محمدعلی کشاورز: متولد ۱۳۲۸ - تهران - دیپلم - هنرهای تجسمی از هنرستان هنرهای زیبا - تهران - ۱۳۵۰ - لیسانس - فنی هنرهای چاپی و نگارش، دانشکده هنرهای تزیینی (دانشگاه هنر) ۱۳۵۴ - طراح گرافیک و تصویرساز - مدیر فنی و هنری مجله‌های رشد (آموزش و پرورش) - ده سال	- مشاور فنی و هنری بیش از پنج ناشر دولتی و خصوصی - عضو داوران سه دوره نمایشگاه آثار تصویرگران کتاب کودک - عضو داوران سه دوره نمایشگاه بو سالانه گرافیک ایران - عضو داوران چند دوره جشنواره کتاب و مطبوعات (کانون پرورش فکری) - مشارکت در تألیف کتابهای	درسی هنر دوره راهنمایی تحصیلی تألیف چهار کتاب برای آموزش نقاشی به کودکان - تدوین کتاب «گرافیک رشد» (گزیده آثار هنرمندان مجله‌های رشد) - تدریس در مراکز تربیت معلم هنر، دانشگاه هنر، دانشکده هنر و دانشگاه الزهرا - تصویرگری بیش از نوزده کتاب کودک و نوجوان
---	--	---

## یادداشتی از محمدعلی کشاورز در معرفی آثار زانت میخاییلی

### پیشگفتار

هنر تصویرگری آثار کودکان، به شیوه امروزین خود، پدیده‌ای است که از دیگر دیوارها وارد اجتماع ما شده، به تدریج، رنگ و شکلی بومی به خود گرفته و هم اینک جایگاهی یافته که انکار آن غیرممکن و پشتیبانی از آن، ضروری است. گفتنی است که قلمهایی تشویقی در این راه برداشته شده است، از جمله برگزاری نمایشگاه دو سالانه آثار تصویرگران کتاب کودک و نوجوان به همت وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی که به انتشار سه مجموعه از آثار هنرمندان ایران، آسیا و جهان، گردآوری و انتشار تعدادی مقاله و مصاحبه، برگزاری سمینارها و ایجاد فضای نشاط و رقابت و انتخاب آثار برتر و در نهایت توفیق نسبی



تحصیل در رشته هنر، علاقه‌مند شد و در سال ۱۳۴۴ وارد دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران گردید. در آنجا با دریافت رهنمودهایی ارزشمند از استاد فقیدش مرحوم علی محمد حیدریان کسب فیض کرد و به هنر خویش تعالی داد و تحت تأثیر هنر واقع‌گرایانه ایشان و دقت نظر و توجه خاص آن هنرمند گرانمایه با روح هنر ایرانی انس پیدا کرد.

پس از درک تحصیلات دانشگاهی وارد خانواده مجلات پیک شد و کار رسمی خود را با تصویرسازی در آن مجلات آغاز کرد. میخاییلی پس از انقلاب اسلامی ایران نیز همکاری خود را با مجلات رشد ادامه داد که حاصل آن خلق آثاری ارزشمند است. علاوه بر این ایشان کتابهایی از جمله «سه قدم دورتر شد از مادر»، «صد دانه باقوت»، «صدای ساز می‌آید» و «جشن جوانه‌ها» را نیز نقاشی کرده است.



تصویرگران ایرانی در مجامع هنری خارج از کشور انجامید.

این‌ها همه قابل تقدیر است، اما مشکلی مقطعی و فصلی بودن این حرکتها هنوز به جای خود باقی است. از این گذشته نیازمند برداشتن گام‌هایی دیگر نیز هستیم، مانند: اصلاح روشهای آموزش این هنر، چاپ مجموعه‌های نفیس، معرفی هنرمندان برتر، نقد و بررسی آثار تصویرگران و به کارگیری بهینه از این هنر در توسعه فرهنگ اسلامی و ملی. چکیده‌ای که می‌خوانید معرفی و بررسی آثار یکی از تصویرگران گرانقدر کودکان است:

ژانت میخاییلی در سال ۱۳۱۵ در تهران متولد شد و دوره ابتدایی را در دبستان فردوسی به پایان آورد و سپس از دبیرستان انوشیروان دیلم گرفت. از کودکی به نقاشی علاقه‌مند بود و با راهنماییهای مادر مهربان و تشویقهای مستمر پدر بزرگوارش که خود معماری تجربی و ماهر بوده‌اند به هنرهای ظریفه روی آورد.

وی با تشویق یکی از معلمان خوب هنر، به ادامه



میخاییلی می‌گوید:

«زمانی که کوچک بودم با فرزندان خریسال فامیل خیلی بازی می‌کردم، دوست داشتم کودکان شیرخوار را ترو خشک کنم و برای آنها لباس بدوزم.»

آثار او به دلایل گوناگون مورد توجه کودکان و نویسندگان است. سادگی طرحها، نشاط رنگها و ترکیب‌بندیهای آسان و مناسب، نوری از تکلف و نیز به کار نبردن عناصر زائد از ویژگی‌های نقاشیهای این هنرمند است.

میخاییلی به ندرت از عناصر تزیینی استفاده می‌کند، شاید به این علت که نوع رنگ آمیزی و انتخاب شکلها توسط او خود جلوه‌ای تزیینی دارد که بر گهرایی آثارش می‌افزاید.

خورشید، درخت، آب، لباس و عمدتاً عناصری که در آثار میخاییلی بروز و ظهور می‌یابند، جدا از بیان مفاهیمی که در بطنشان هست، شکلی تزیینی و چشم نواز دارند. انتخاب رنگها عموماً با احساسی صادقانه همراه با تفکر و منطق صورت می‌گیرد. وی تمامی آثارش را با گواش کار می‌کند و معتقد است که این رنگ به دلیل پوشش خوب و درخشندگی، بیشتر مورد توجه کودکان قرار می‌گیرد. این هنرمند، مخاطبان خود را خوب می‌شناسد. با آنها حشر و نشر و دوستی داشته و هنوز هم به آنان عشق می‌ورزد. روابط خانوادگی، صمیمیت بین پدر و فرزند و با مادر و دختر و دوستانی که با هم مشغول بازی هستند با شیرینی و لطافت خاصی توسط او به تصویر کشیده شده است.

روابط خانوادگی در آثار میخاییلی بسیار خوشایند و توأم با احساس و عاطفه تصویر شده، چرا که او به همین گونه زندگی کرده و در واقع زندگی خود را به تصویر کشیده است.

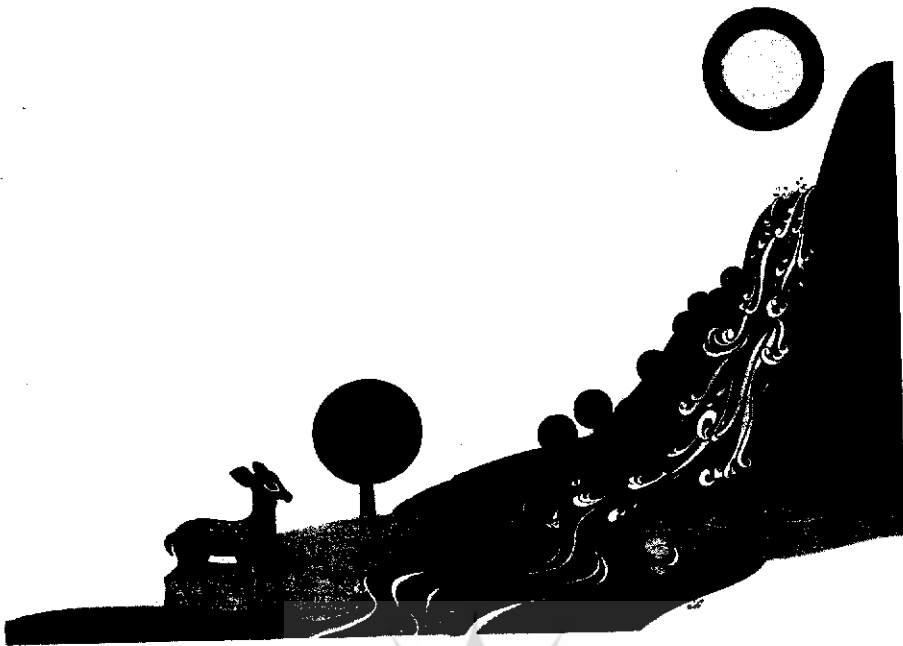
وی معتقد است که هنر نقاشی فطری است و انسانی که دارای این فطرت است بایستی روش بروز و ظهور آن را بیابد و احساسش را تقویت کند و این نیاز به کار زیاد و کسب مهارت دارد. او باید نوق

پرورده شود تا اثر خلق‌شده بر چشمها و دلها اثر بگذارد.

اعتقاد عمیق خانم میخاییلی به هنر و کار خود، او را می‌دارد تا با جدیت و حساسیت تمام متن را مطالعه کند و فرازهایی از آن را برای تصویرکردن برگزیند. وی معمولاً بخشهایی از متن را انتخاب می‌کند که بیشتر مورد توجه کودکان است و می‌تواند با دنیای آنها هماهنگ باشد. فرازهای انتخاب شده با خطوط ساده، رنگهای شاد و همراه با طنزی کودکانه و سرشار از مهربانی و به طرز لطیف و ظریف نقاشی می‌شود، تا آنجا که گاه تصور می‌رود ایشان با الهام از نگارگرهای ایرانی نقاشی کرده‌اند. ریز نقاشیهای ظریف، رنگهای شاداب و تخت، طراحیهای ساده و موجز و به کار نگرفتن پرسپکتیو در آثار او این گمان را قوت می‌دهند که این هنرمند نستی در کار مینهایتور نیز داشته است.

یکی دیگر از ویژگیهای تصویرسازیهای میخاییلی این است که پرسپکتیو به معنای علمی آن





گونه به تصویر می‌کشد. عناصر بصری به کار گرفته شده می‌خایبلی مخاطبان خود را با دنیایی مواجه می‌کند که برای آنها آشناست و گویی از قبل آن را می‌شناسند، اگر چه هنوز هم این عناصر در گوشه و کنار زندگی ما حضور دارند، چهره‌ها، شکل معماری، آرایش منزل، طراحی محیط زندگی و رنگهای به کار گرفته شده مجموعه‌ای هستند که این الفت و آشنایی را القای می‌کنند.

توجه و رعایت فرهنگ بومی و ملی برای او امری کاملاً طبیعی است، چرا که در این کشور زندگی کرده، با این مردم معاشرت داشته و تحت تأثیر این فرهنگ قرار گرفته و همه این موارد نیز در نقاشیهایش ظهور یافته است.

شاید او در انجام هیچ کدام از آثار خود به هویت فکر نکرده باشد، بلکه ایشان آنچه را که می‌شناخته، با آن مأنوس بوده، آن را می‌فهمیده و یادداشت داشته به تصویر کشیده است.

در آرایش راه ندارد و آثار، اغلب با ترکیب‌بندی‌هایی ویژه و رنگ‌گذار بهایی خاص القای پرسپکتیو می‌کند. حتی در معماری و آرایش داخل اتاقها نیز کمتر ربهایی از پرسپکتیو دیده می‌شود. این شیوه نقاشی و نیز ظرافتهای آثار او بیننده را به یاد نگارگری ایرانی می‌اندازد. از این گذشته، نمادهای دیگری در نقاشیهای او به کار گرفته می‌شود که ایرانی بودن در آنها مورد تأکید قرار گرفته است. عناصری سنتی مانند کلاه عرقچین، جلیقه، گلیم، مخنه، متکای کلبوزی شده، نرده‌ها و بالکن که دارای تزئینات اسلامی هستند و سرانجام، نوع معماری، مواردی هستند که کارهای ایشان را از دیگر آثار متمایز می‌کند و به آنها فردیت می‌بخشد. البته ناگفته نماند که اغلب متنهای تصویر شده توسط می‌خایبلی خود دارای چنین فضاهایی هست، با این همه، او نیز به طور فطری و بنا به طبع و تربیت و تجربه‌ها و کرایشهایی که به زندگی سنتی دارد، صحنه‌ها را این